

■ محمد رضا کائینی

روزهائی که بر ما گذشت، تداعی گر سالاروز محکومیت دکتر محمد مصدق در دادگاه نظامی سلطنت آباد به دستور محمد رضا پهلوی بود که بر سپهر سیاسی و اجتماعی ایران آن روز، تأثیراتی نمایان داشت. این مناسبت تاریخی، فرصتی مغتنم است که زمینه‌ها و پیامدهای این رخداد تاریخی باز کاوی شود. نوشتار پیش روی با این هدف به رشته تحریر بر آمده است. امید آنکه مقبول افتد.



به باور عموم شاهدان وقایع پس از نهضت ملی و نیز تحلیلگران آن، محمد رضا پهلوی به رمغ آنکه برای تضعیف و تخفیف هرچه بیشتر وجهه سیاسی و اجتماعی محمد مصدق دست به محاکمه او زد، اما در نهایت به این هدف دست

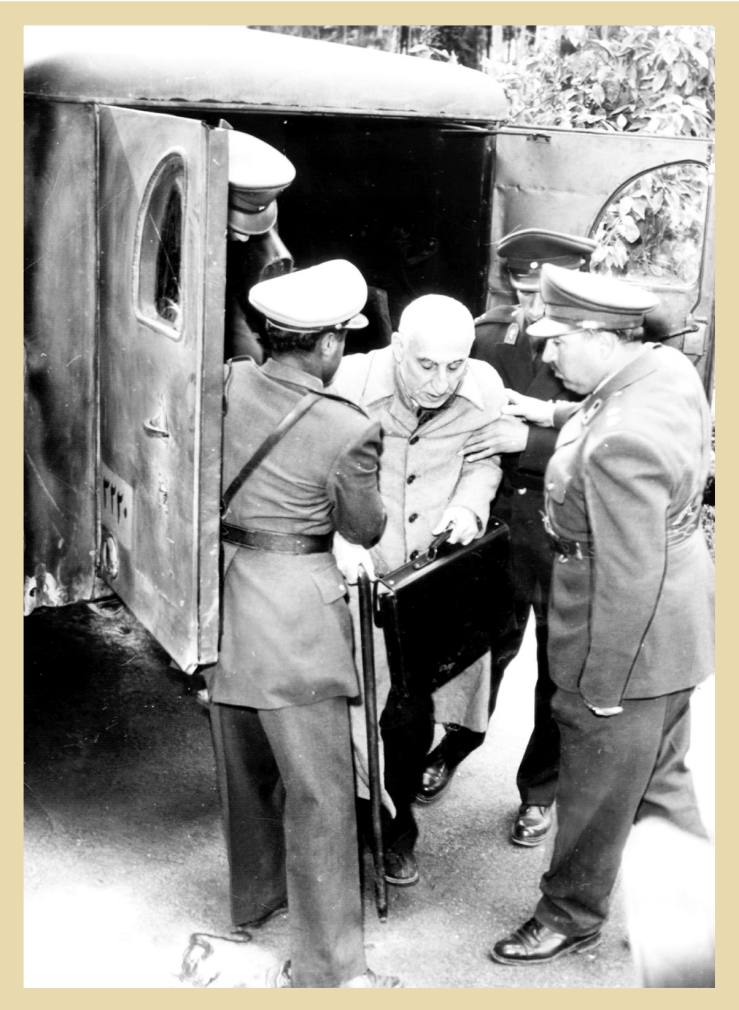
نیافت. این سخن اما، به مفهوم تأیید تمامی گفته‌های مصدق در دادگاه نظامی نیست، بلکه بیشتر درصد نمایانند زمینه‌ها و پیامدهای خطای شاه در دست زدن به این اقدام است. به واقع این نوشتار، به مدد خاطرات حسین مکی یکی از همراهان سیاسی سابق محمد مصدق در پی آن است که علل ناکارآمدی این حربه شاه پس از سرکوب نهضت ملی ایران را در یابد.

■ بر حذر داشتن محمد رضا پهلوی از محاکمه دکتر مصدق

منقولات تاریخی بر این نکته اتفاق دارند که تعداد زیادی از موافقان و مخالفان محمد رضا پهلوی، در شرایط سیاسی پس از ۲۸ مرداد او را از برگزاری محاکمه نظامی برای محمد مصدق بر حذر داشتند. این عده علاوه بر گوشزد کردن موانع قانونی انجام این کار، بر این باور بودند که مصدق به دلیل برخورداری از قدرت تردستی سیاسی و گفتاری، فضای حاکم بر دادگاه را در دست گرفته و آن را وسیله‌ای برای محاکمه شاه و ایادی او خواهد کرد. آنها بر این باور بودند که عفو دکتر مصدق و نهایتاً تحت نظر گرفتن وی، در آن شرایط کافی است و حتی می‌تواند نمادی از رأفت شاه تازه، به قدرت بازگشته باشد. با این همه محمد رضا که به شدت از مصدق عصبانی بود، بدین امر رضایت نداد و نهایتاً تصمیم به انجام محاکمه وی گرفت. حسین مکی همکار قدیم محمد مصدق و منتقد بعدی وی، از جمله چهره‌هایی است که شاه را از این اقدام بر حذر داشته است. او بعدها درباره چند و چون این تحذیر خویش می‌نویسد:

«در کتاب سپاه در شرح وقایع روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، نوشتم که طی نامه شماره ۲۰۱۱۲ مورخ اول شهریور سال ۱۳۳۲ به شاه گوشزد کردم: محقق قانون اساسی و قانون محاکمه وزرا مصوب ۱۶ تیر ماه سال ۱۳۰۷ تقییب و محاکمه وزرا باید با استحضار و رأی مجلس شورای ملی باشد، لذا دستگیری و زندانی کردن دکتر مصدق خلاف قانون است و نیز به اشاره نوشتن همین که شاه وارد فرودگاه مهرآباد شد، سرستیب هدایت گیان‌تاشه را به در بندرس فرستاد که من فوراً به شهر بیایم تا با وی ملاقات کنم. بنابراین روز اول شهریور به دربار رفته و با شاه ملاقات کردم. ضمن آن حدود سه ربع ساعت فقط درباره دربار در دکتر مصدق و اینکه صلاح نیست او را محاکمه کنند گفت‌وگو کردم. به خاطر دارم برای بیان عقیده خود ماجرای تاریخی را از روزهای قبل از انقلاب کبیر فرانسه شاهد مثال آوردم که بسیار مورد توجه شاه قرار گرفت و به رمغ آنکه عده‌ای در انتظار ملاقات با او بودند، با علاقمندی و حوصله به سخنانش گوش داد. از شاه

سؤال کردم آیا می‌دانید سخت اول انقلاب کبیر فرانسه را مشاهده کردیم؟ در آن زمان گمانش و مانند صاعقه‌ای موجد و موجب پرافروخته شدن آتش آن انقلاب عظیم شد! اگر همان‌طور که خیرخواهان دربار آن زمان به لویی شانزدهم توصیه کردند که از محاکمه کاردینال دورهان و کلاب‌داری‌های وی که به نام ماری‌آنتوانت مر تکت شده بود صرف‌نظر کند، شاه پذیرفته بود و تحت تأثیر عصبانیت و ناراحتی ملکه ماری‌آنتوانت – که برای اثبات بی‌گناهی خود اصرار به محاکمه او داشت – قرار نگرفته بود، مشکلات کردی برای او پیش نمی‌آمد... این مجازات سنگین و این صحنه‌های دلخراش موجب ابراز احساسات عامه مردم می‌شود و وقتی این زن روسی در زندان به سر می‌برد مردم هدایای بسیاری برایش می‌برند. بعد از انقلاب کبیر فرانسه نیز او را با سلاسل و ملوبات از زندان بیرون می‌آورند و حیرت‌انگیز آنکه وی از چهره‌های محبوب انقلاب فرانسه می‌شود. به شاه گفتم ملاحظه می‌کنید کاردینالی که منغور بود و کلاب‌داری کرد و زنی روسی با افشنه که مردم پاریس از سوابقش اطلاع داشتند و به امر لویی شانزدهم و ملکه ماری‌آنتوانت بحق محاکمه شده بودند و می‌بایست حتماً محکوم می‌شدند، با فراهم کردن صحنه محاکمه و مجازات طوری وانمود شد که روی مردم اثر معکوس گذاشت و آنان محبوب مردم شدند. حال آنکه دکتر مصدق شخصیت محترم و ممتازی دارد و دکترای حقوق است. در سال ۱۲۹۹ در کابینه اول مشیرالدوله استاندار فارس و در کابینه دوم مشیرالدوله وزیر خارجه و در کابینه اول قوام وزیر دارایی و مدتی استاندار آذربایجان و سپس در دوره‌های پنجم و ششم نماینده تهران در مجلس بود. همچنین در دوره‌های چهاردهم و شانزدهم نماینده اول تهران و بر حسب رأی مجلس مدت ۲۷ ماه نخست‌وزیر کشور بود و از حقوق نخست‌وزیری مطلقاً و جوهی دریافت نکرد و از همه مهم‌تر خدماتی انجام داد. در زمان او نفت ملی شد و به شورای امنیت و دیوان داوری لاهه رفت و یک شخصیت سیاسی، ملی و بین‌المللی شناخته شده است. هر گاه بدین کیفیت یعنی برخلاف قانون اساسی و قانون محاکمه وزرا محاکمه شود آن هم در محاکم نظامی که همه مردم توفه خواهند کرد که بر حسب امر شاه بوده است، غوغایی بر پا خواهد کرد و حتی مخالفین دکتر مصدق هم چنانچه تابع اصول و قوانین باشند، به حمایتش بر خواهند خاست. وانگهی دکتر مصدق که دکترای حقوق دارد طوری استادانه در جلسات دادگاه



۱۳۳۲، دکتر محمد مصدق در حال ورود به دادگاه نظامی در سلطنت آباد



منقولات تاریخی بر این نکته اتفاق دارند که تعداد زیادی از موافقان و مخالفان محمد رضا پهلوی، در شرایط سیاسی پس از ۲۸ مرداد او را از برگزاری محاکمه نظامی برای محمد مصدق بر حذر داشتند. این عده علاوه بر گوشزد کسر دن موانع قانونی انجام این کار، بر این باور بودند که مصدق به دلیل برخورداری از قدرت تردستی سیاسی و گفتاری، فضای حاکم بر دادگاه را در دست گرفته و آن را وسیله‌ای برای محاکمه شاه و ایادی او خواهد کرد. آنها بر این باور بودند که عفو دکتر مصدق و نهایتاً تحت نظر گرفتن وی، در آن شرایط کافی است و حتی می‌تواند نمادی از رأفت شاه تازه به قدرت بازگشته باشد

«محمد رضا پهلوی و قمار محاکمه محمد مصدق» در آئینه روایت حسین مکی

آخرین پرده از زور آزمایی قاجار با پهلوی

صحنه‌هایی را فراهم خواهد کرد که در حقیقت سمت دادستانی دادگاه را به عهده می‌گیرد و دادگاه نظامی هر حکمی علیه دکتر مصدق صادر کند به محکومیت خود دادگاه حکم داده است. بنابراین به عقیده من بهتر است فوراً دکتر مصدق آزاد شود و جریان اتهاماتی که به وی وارد کرده‌اند، طبق قانون در مجلس شورای ملی مطرح شود.»

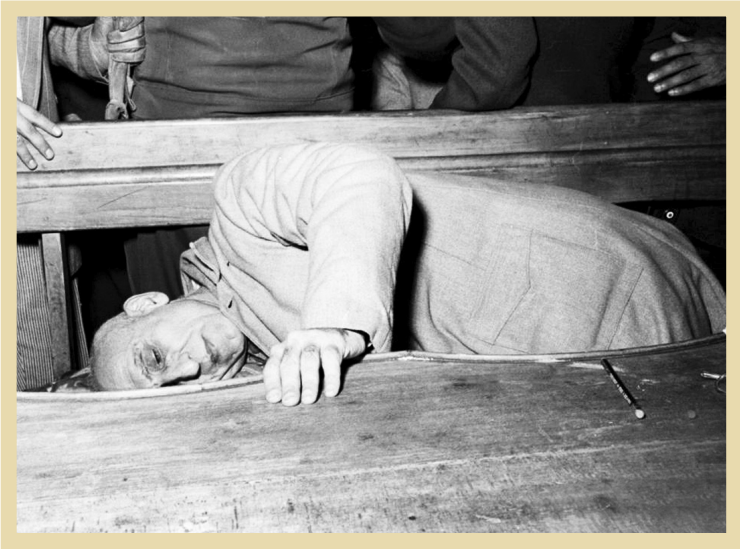
■ **شاه در برزخ تصمیم برای محاکمه مصدق!**
حسین مکی پس از آنکه به نقل گفت وگویی خویش با شاه در بر حذر داشتن وی از محاکمه مصدق می‌پردازد، از تردید وی در برگزاری این جلسه و پاره‌ای سوالات و دغدغه‌های او سخن به میان می‌آورد. وی در ادامه خاطرات خویش، واکنش‌ها را به نصایح خود، اینگونه روایت کرده است:

«شاه اظهار کرد: دکتر مصدق از صبح ۲۵ مرداد طبق فرمانی که صادر کردم نخست‌وزیر این مملکت نبود و خودتان می‌دانید در ایام قترت یعنی نبودن مجلس عزل و نصب با پادشاه است. در پاسخ گفتم مع‌هذا باید محاکمه وی با اجازه مجلس شورای ملی باشد. شاه خاطر نشان کرد آخر او نخست‌وزیر نبود. قائم‌مقام دکتر مصدق احکامی را که از ۲۵ تا ۲۸ مرداد صادر کرده به نام نخست‌وزیر امضا کرده است. به نام شاه یا رئیس‌جمهور که امضای نگرده است. البته این قضیه سابقه دارد. در دوره پانزدهم مجلس عضو کمیسیون عرایض بودم. اعلام جرمی علیه احمد حسین خان عدل وزیر کشاورزی به کمیسیون عرایض فرستاده شد که رسیدگی شود. در این اعلام جرم قید شده بود کابینه روز... مستعفی شده بود و وزیر دیگر نمی‌توانستند به نام وزیر حکم یا نامه‌ای صادر کنند. احمد حسین خان عدل روز پس از استعفا به وزارت خارجه رفت و نامه‌ای حکمی در تاریخ دو روز قبل از استعفا امضا کرده و به این عمل او اعلام جرم شده بود. مع‌هذا این اتهام با اینکه واقعاً در موقع امضای نامه من عزل بود در مجلس مطرح و برای رسیدگی به کمیسیون عرایض فرستاده شد. روی آسف سابقه دکتر مصدق هم اتهامش باید در مجلس مطرح

شود و البته هر تصمیمی که مجلس گرفت قانونی خواهد بود. شاه اظهار کرد روی این موضوع مطالعه خواهد کرد و دو روز دیگر جواب می‌دهم.»^(۱)

■ **مظلوم‌نمایی مصدق، پشیمانی شاه**
اندیشه محاکمه دکتر مصدق، نهایتاً به همان نتیجه‌ای سوق یافت که حسین مکی و بسیاری دیگر، قبلاً آن را پیش‌بینی و درباره تبعات آن به شاه هشدار داده بودند. نخست‌وزیر مخلوع، در دادگاه از فرصت استفاده کرده و به تخطئه حکم عزل خویش پرداخت و همچنان خود را صدراعظم ایران دانست! این سخنان در دادگاه نیز تأثیراتی نمایان داشت و باعث حمایت افشاری از مردم از جمله دانشجویان و بازاربان باز مصدق گشت. حسین مکی بازتاب‌های این محاکمه را اینگونه تحلیل کرده است:

«می‌دانم مشاورین شاه چه کسانی بودند که به او تلقین کردند! اگر دکتر مصدق آزاد شود خود را نخست‌وزیر قانونی ایران خواهد دانست و قدراتانش سادک نمی‌نشینند و بالاخره دکتر مصدق تسلیم دادگاه نظامی نمی‌شود و سپس باید ایجاد صحنه‌های فوق‌العاده جالبی خود را مظلوم نشان بدهد که حتی دکتر مصدق برای آنها تفاوتی نداشت با جمعی دیگر اقداماتی می‌کردند و عده‌ای دیگر که بودن و نبودن شاه یا رئیس‌جمهور که امضای نگرده است. البته این قضیه سابقه دارد. در دوره پانزدهم مجلس عضو کمیسیون عرایض بودم. اعلام جرمی علیه احمد حسین خان عدل وزیر کشاورزی به کمیسیون عرایض فرستاده شد که رسیدگی شود. در این اعلام جرم قید شده بود کابینه روز... مستعفی شده بود و وزیر دیگر نمی‌توانستند به نام وزیر حکم یا نامه‌ای صادر کنند. احمد حسین خان عدل روز پس از استعفا به وزارت خارجه رفت و نامه‌ای حکمی در تاریخ دو روز قبل از استعفا امضا کرده و به این عمل او اعلام جرم شده بود. مع‌هذا این اتهام با اینکه واقعاً در موقع امضای نامه من عزل بود در مجلس مطرح و برای رسیدگی به کمیسیون عرایض فرستاده شد. روی آسف سابقه دکتر مصدق هم اتهامش باید در مجلس مطرح



۱۳۳۲، دکتر محمد مصدق در صحنه دادگاه نظامی در سلطنت آباد

پیش‌خواب

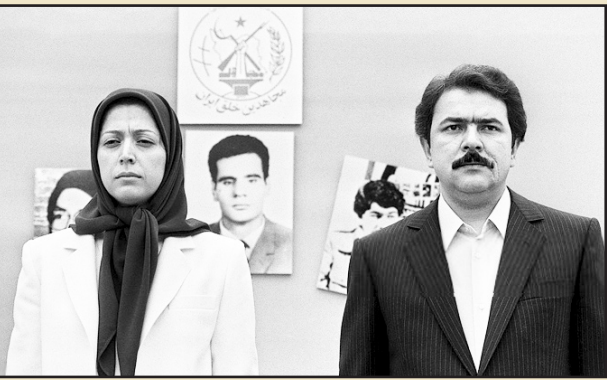
نظری بر خاطرات هادی شمس حائری یکی از بریدگان از سازمان منافقین

در شناخت «بن بست انحراف»

■ رضا مقصدوی



سازمان موسوم به مجاهدین خلق به‌رمغ تمامی تمهیداتی که در سالیان گذشته به منظور حفظ موقعیت خویش به کار بسته است، از دیرباز با مسئله‌ای به نام ریزش نیرو مواجه بوده است. مهم‌ترین مشکل سازمان در این زمینه افشای‌گری‌هایی است که توسط نیروهای جدانشده از آن، پیرامون ماهیت دست‌اندر کاران تشکیلات و روابط درونی آن به عمل می‌آید. در این افشای‌گری‌ها با توجه به اینکه اعضای جدانشده سال‌های مدیدی در سازمان فعالیت داشته‌اند، انحرافات و فساد حاکم بر سازمان مستنداً بیان می‌شوند. در دو دهه گذشته و به این ترتیب، تبلیغات و جار و جنجال‌ها درباره فراخوانی هواداران برای بوستن به سازمان سازمان یا به عبارت بهتر میزان هدایای نظام بین‌المللی بستگی به میزان نیروهایی داشت که رجوع در بغداد می‌توانست حول خویش گرد آورد و به کمک تجهیزات عراقی به مانور و نمایش قدرت بپردازد. این مسئله برای سازمان بسیار حساسیت‌برانگیز بوده است. به همین دلیل، همان‌گونه که پیش از این نیز گفته شد، سازمان انواع دسیسه‌ها را به کار بسته و می‌بندد تا به نحو ممکن از فرار نیروهایش جلوگیری کند. تلاش سازمان برای و خیم نشان دادن وضعیت اعضایش در صورت جدا شدن از آن و بازگشت به میهن یا حتی مسافرت آنها به دیگر کشورها و همچنین اخذ اعترافات با شیوه‌های مختلف از اعضا که به منزله اسناد ضعف و فساد آنان محسوب می‌شود، در راستای همین دسیسه‌چینی قرار دارد. با این همه همان‌گونه که گفته شد این روش‌ها کارایی صد در صد نداشتند و



کاملاً ناشناخته و بی‌سابقه در تاریخ ایران

مسئله حائری به هنگام نگارش کتاب خود هنوز تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های سازمانی در کلیت آن قرار داشته است، به‌طوری که این مکتوب را نیز با جمله معروف و البته شرک‌آلود «به نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران» آغاز می‌کند، پس از گذشت مدتی و به‌ویژه در دوره وضعیت حکومت و جامعه در ایران کنونی به دور از اغراض عامیانه ادامه دهد، به دیدگاه‌های تازه‌ای متفاوت از آنچه در این مکتوب درباره نظام ولایت فقیه در ایران مطرح می‌کند دست خواهد یافت. البته جنین اظهاراتی راجع به ولایت فقیه تاژگی ندارد و بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تحت رهبری حضرت امام خمینی (ره) بحث‌های آکادمیک و سیاسی، به‌ویژه در جامعه غربی پیرامون مسئله ولایت فقیه به راه افتاد و در این مجامع نیز کم نبودند افرادی که سعی می‌کردند ولایت فقیه را با مکاتب توتالیترستی هسنان قلمداد کنند. خوشبختانه گذشته از مقالات متعددی که از سوی اندیشمندان اسلامی راجع به ولایت فقیه نگاشته و ضمن روشنگری در مورد آن به منتقدان نیز پاسخ گفته شده است، شرایط کنونی حاکم بر کشور نیز حاکی از بی‌پایه بودن این‌گونه نظریات است.

بنابراین اظهارات مغرضانه حائری درباره نظام ولایت فقیه در این مکتوب نباید مانع از آن شود که نظرات و خاطرات یک فرد درده بالا و پراسبقه سازمان مجاهدین خلق پیرامون آن مکتوم بماند. ذکر این نکته نیز لازم است که اگر چه از نظر ما تنها اظهارات حائری راجع به سازمان به دلیل سابقه دیرینه‌اش در آن قابل استناد و اتکاست و بیشترین بخش از این مکتوب را نیز شامل می‌شود، اما به لحاظ حفظ اصالت این مکتوب، به دست چاپ سپرده شد. این مکتوب می‌شود، اما به لحاظ حفظ اصالت این مکتوب، به دست چاپ سپرده شد. فحاشی به اعتقادات مردم به حساب می‌آید حذف شده‌اند. به عقیده ما خوانندگان محترم از آن میزان اطلاعات و آگاهی برخوردارند که با دقت نظر در نوشته‌های حائری به تشخیص مطالب درست از نادرست بپردازند.

امروز سازمان با مسئله‌ای به نام ریزش نیرو مواجه است. از جمله اعضای بلندپایه‌ای که از سازمان جدا شده‌اند «هادی شمس حائری» است که بلافاصله پس از جدایی مکتوبی را تحت عنوان «ارتجاع رجوع» منتشر ساخت. البته در شماره ۱۰۳۸ نشریه «کیهان هوایی» اقدامات سازمان برای مخدوش ساختن چهره حائری و بالطبع اعترافات وی درباره ماهیت سازمان مجاهدین و کادر رهبری آن نقد و بررسی شد.

در اثری که در معرفی آن سخن می‌آیند، حائری به عنوان یک عضو باسابقه و فردی که قبل و بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۷۰، در جریان تحولات داخلی سازمان بوده و طبعاً احاطه و اشرف کاملی را بر ماهیت سازمان حائری و بالطبع اعترافات وی درباره ماهیت سازمان مجاهدین، رفتار اعضا نسبت به یکدیگر و چگونگی روابط آنها با مرکزیت می‌پردازد.

البته نگارش این مکتوب توسط حائری به هیچ‌وجه به این معنی نیست که وی کاملاً به حقیقت دست یافته است. این نکته را در اولین نگاه به تیتراژ انتخاب شده برای این مکتوب می‌توان دریافت. در واقع حائری با یک دیدگاه به سازمان و نظام جمهوری اسلامی می‌نگرد و هر دو را به ارتجاع نسبت می‌دهد! اما اگر اندکی دقت نظر در اظهارات و نتیجه‌گیری‌های حائری به خرج داده شود، یک تفاوت اساسی بین اظهار نظرهای وی درباره سازمان و نظام جمهوری اسلامی قابل تشخیص است.

حائری بر طبق اظهارات خود از سال ۱۳۵۴ از تباطر رسمی‌اش را با سازمان مجاهدین برقرار کرده و از آن پس تا سال ۱۳۷۰، با حضور فعال در این سازمان به مدت ۱۶ سال از اعضای رده بالای آن محسوب می‌شود. شدد، بنابراین در طی این مدت طولانی به دلیل موقعیت خود، به‌ویژه پس از انقلاب و دوران فعالیت سازمان در خارج از کشور – به‌گونه‌ای که سازمان بنا به اصرار و دعوت وی راهی عراق می‌شود – اطلاعات دقیقی را پیرامون